

اصول و راهبردهای بانکداری اسلامی در چارچوب نظام اقتصادی اسلامی

حسین عیوضلو^۱

مجید کریمی ریزی^۲

چکیده

بنیادی ترین مسأله در نقد نظام بانکداری بدون ربا آن است که در آن عملیات بانکی در قالب یک نظام اقتصادی ملاحظه نشده است. نظام اقتصادی مبتنی بر نظام اسلامی ترکیبی از مبانی، سازوکارها و روابط بین متغیرها بر اساس اهداف این نظام می باشد که تحقق آن به تحقق اهداف نظام اسلامی منتهی می شود. نظام بانکداری اسلامی مشتمل بر بانک مرکزی، شبکه بانکی، نهادهای قانونی، نظارتی، کنترلی، رگولاتوری، نظامات حسابداری و حسابرسی و مالیاتی، ثبت، دولت و زیر ساخت های نرم افزاری و... و همچنین ساز و کار تعیین قیمت و... می باشد که همه این مجموعه را باید در چارچوب نظام اقتصاد اسلامی ارزیابی نمود. بدون بکارگیری روش فوق، یعنی بدون توجه به کلیت نظام بانکداری اسلامی اعمال تغییر در بخشی از ابعاد این نظام از جمله تغییر در روابط حقوقی، تغییری بنیادین در ساختار موجود نظام بانکی ایجاد نمی کند و لذا نمی توان تحقق اهداف آن را انتظار کشید؛ زیرا فاقد زیر ساخت نظری محکمی مبتنی بر آموزه های اسلام است. آنچه به عنوان مزیت این تحقیق است این نوع نگاه سیستمی به نظام بانکداری اسلامی است که آن را به عنوان یک زیرسیستم در ساختار اقتصاد اسلامی می بیند. این چارچوب با سه واژه و معیار قرآنی: حق و عدل و قوام توضیح داده می شود. بر این اساس ما به اصول و راهبردهای بانکداری اسلامی به عنوان یکی از مهمترین کارکردهای اقتصاد اسلامی و در ارتباط با آن رسیده ایم. این اصول بیانگر این مطلب است که اگر قرار است نوآوری، تغییر و اصلاحی در ساختار بانکداری اسلامی صورت گیرد باید علاوه بر ملاحظات فقهی مربوط به عقود اسلامی سایر ابعاد و عناصر و ساز و کارهای نظام بانکداری اسلامی نیز باید رعایت شوند. مزیت این نگاه آن است که بانکداری اسلامی نسبت به بانکداری متعارف به صورت منفعلانه عمل نمی کند بلکه چون خود در ساختاری مشخص حرکت می کند می تواند فعالانه به ابداع و نوآوری دست زند و همه این ابتکارات در ارتباطی سیستمی نسبت به هم قرار دارند و یکدیگر را نقض نمی کنند. بر این اساس زمانی ساختار اقتصاد و نظام مالی یک اقتصاد اسلامی است که اولاً همه ارکان آن اسلامی باشد ثانیاً، با یکدیگر سازگار باشند و همدیگر را نفی نکنند، یعنی با تحقق اجزا و روابط سیستم هدف تعیین شده قابل دستیابی باشد. ثالثاً، بر اساس اصول، معیارها، قوانین و روابط اثباتی اقتصاد اسلامی، راهبردها و سیاست های مشخصی را برای کارکرد مناسب سیستم مالی و بانکی اسلام ارائه دهد. رابعاً، راهکارهای مناسبی را برای توسعه و پیشرفت اقتصاد فراهم سازد و شیوه ها و مراحل اجرایی هر یک از راهکارها را به نحو معتبر و قابل قبول مشخص سازد. در جوهر سیستم بانکداری اسلامی قبل از هر چیز تنظیم "نگرش" مهم است؛ جایگاه ما در نظام هستی، مأموریت تکوینی ما و درک فلسفه خلقت و عبادت که همانا بالفعل کردن قوای نهفته در وجود انسان است. این نگرش بر اساس روش شناسی مبتنی بر نگرش سیستمی و شناسایی ارکان تکوینی و تشریحی اقتصاد و بانکداری اسلامی است که در تحقیق بدان اشاره شده است. در این تنظیم و معماری جدید از نظام بانکداری اسلامی "فقه الاقتصاد" نقش ویژه خود را خواهد داشت و می تواند علاوه بر تعریف بایسته بین روابط هر سیستم، اصول و روابط لازم الاتباع را نیز روشن سازد، امری که تاکنون در مطالعات بانکداری اسلامی نادیده گرفته شده اما این مقاله به استخراج این اصول و روابط بایسته همت گماشته است.

واژگان کلیدی: اقتصاد اسلامی، بانکداری اسلامی، نگرش سیستمی، احکام کلان سیستمی، راهبردهای بانکداری اسلامی

مقدمه

صنعت بانکداری در جهان طی سال‌های اخیر شاهد تحولات گسترده و بزرگی بوده است. این تحولات در کسب و کار و مبادلات اقتصادی تأثیر شگرف و بنیادین گزارد. گسترش بازارهای بین‌المللی، جهانی شدن بازارها، ورود ابزارهای جدید تأمین مالی و استانداردسازی ابزارها و بازارها، فعالیت رقابتی بانکها در سطح ملی و بین‌المللی، ادغام بانکهای بزرگ و تشکیل بانکهای چند ملیتی و وقوع بحران‌های اخیر اقتصادی در سطح جهان باعث گردیده است تا ایجاد تحول در روش‌های بانکداری بصورت جدی مد نظر قرار گیرد. امروزه نیاز به ثبات و توسعه نظام بانکی در راستای پشتیبانی از توسعه اقتصادی پایدار بیش از پیش مورد نظر می‌باشد.

از طرف دیگر، در کشور ما نیز انتظارات از نظام بانکی و تأکید دولت بر استفاده از بانکها به عنوان ابزار تحقق اهداف اقتصادی کشور، ضرورت تبیین نظام بانکداری فعال و مؤثر در نظام اقتصادی و مبتنی بر آموزه‌های اسلامی را بیش از پیش مورد نظر قرار داده است. نظام بانکی باید بتواند علاوه بر پشتیبانی از اهداف اقتصادی کشور با برخورداری از انعطاف‌پذیری لازم در مقابل شوک‌های اقتصادی و غیراقتصادی مقاومت نموده و قابلیت برگشت‌پذیری به شرایط عادی را در خود ایجاد نماید. نظام بانکی باید با مدیریت سپرده‌های خرد، بسترهای لازم برای توسعه اقتصادی پایدار را ایجاد نماید، و با ایجاد یک محیط رقابتی، جذابیت لازم را برای سپرده‌گذاران، سرمایه‌گذاران و دریافت‌کنندگان تسهیلات ایجاد نماید. نظام پولی و بانکی باید بتواند انواع بانکها و الگوهای بانکداری و مؤسسات اعتباری قدرتمند و امن را توسعه دهد. نظام بانکی باید تضمین نماید که تسهیلات بیشتری به مصرف‌کنندگان و شرکتهای کوچک و متوسط اعطا خواهد شد. نظام بانکی باید با مشخصه‌های بانکداری اسلامی تطبیق نموده و زمینه اجرایی شدن مدیریت پول و سرمایه را در چارچوب ضوابط اسلامی فراهم نماید.

در این تحقیق روش تجزیه و تحلیل مسائل مرتبط با بانکداری اسلامی، اصول و معیارها و همچنین راهبردهای کلی آن در چارچوب مبانی اقتصادی اسلامی تبیین می‌شود. در جمهوری اسلامی ایران تاکنون هدف بانکداری اسلامی و رابطه آن با نظام اقتصاد اسلامی مورد بحث قرار نگرفته است و تنها یکی از رویه‌های آن که همان استفاده از عقود اسلامی برای اجتناب از عملیات ربوی در قانون بانکداری بدون ربا مد نظر بوده است مورد توجه قرار گرفته است و از آنجا که این نوع نگاه جزئی نگر بوده از کارایی مباحث قراردادهای اسلامی در تجهیز و تخصیص منابع بانکی نیز کاسته است و مشکلاتی را برای نظام بانکی به وجود آورده است. نگاهی که تاکنون حاصل سعی و تلاش فقهای گرانقدر بوده است و سایر متخصصین در این زمینه تلاش لازم را به عمل نیاورده اند. لذا لازم است اصول و مبانی نظام اقتصاد اسلامی در یکی از زیرسیستم‌های خود-نظام بانکی- سریان و جریان یابد تا بانکداری اسلامی در جهت رفع نیازهای اقتصادی جامعه بر اساس چارچوب‌های اقتصاد اسلامی به حرکت درآید.

آسیب شناسی

بحران جهانی ۲۰۰۸/۲۰۰۷ و پیامدهای مضر اقتصادی و اجتماعی آن و همچنین شکست اقدامات سیاسی برای یافتن پاسخ مسأله بحران شواهد کافی به دست می‌دهد که بگوییم مشخصه‌های بحران مالی جهانی مشخصه‌های یک سیستم مالی پیچیده تطابق دارد. علاوه بر رخدادهای تکراری در سیستم، افزایش فقر و عدم توزیع مناسب ثروت در این نظام نیز از نتایج این سیستم است که پیامد مهم آن نااطمینانی است. طرح این مسأله که تأمین مالی مبتنی بر بهره با فرایندی سیستمی منجر به بی‌ثباتی می‌شود اولین بار در سال ۱۹۳۰ توسط کینز و بعد از آن توسط موریس^۱ مطرح گردیده است. بر اساس نظریه کینز تمرکز بر مکانیزم نرخ بهره موجب دو مسأله مهم در نارسایی سیستم مالی می‌گردد که عبارتند از: ۱. درآمد فقیر و توزیع ثروت. ۲. عدم توانایی سیستم در ایجاد اشتغال کامل.

کینز معتقد است که مکانیزم بهره عامل ایجاد یک تغییر هولناک در کل سیستم است. حقیقتی که می‌توان از بررسی

1 Maurice Allais; Mirakhor, Abbas, Unsustainability of the Regime of Interest-based Debt Financing, ISRA Journal, Vol 4, 2012.

و تحلیل داده‌های تاریخی مربوط به بحران‌های اخیر بدست آورد این است که پتانسیل ایجاد عدم ثبات در مکانیزم نرخ بهره و رشد بدهی در کل اقتصاد مشهود است.

در سال ۱۹۲۰ یک ریاضی‌دان و فیلسوف جوان به نام رمزی^۱ مقاله‌ای را به منظور بررسی رابطه بین نرخ بهره تعیین شده توسط بازار و نرخ رشد منتشر کرد. این مقاله تا دهه ۱۹۶۰ نادیده گرفته شد. او در این مقاله از سه نرخ جمعیت، نرخ بهره بازار و نرخ رشد اقتصادی استفاده کرد و نتیجه از این قرار بود که اگر نرخ رشد اقتصاد بر دیگر نرخ‌ها پیشی بگیرد اقتصاد رشد خواهد کرد و یک وضعیت با ثبات موقعی رخ خواهد داد که هر سه نرخ در یک وضعیت تعادلی باشند. اگر نرخ بهره تعیین شده توسط بازار بر نرخ رشد اقتصاد و نرخ رشد جمعیت پیشی بگیرد فعالیت‌های اقتصادی وارد یک چرخه حلزونی پیچ در پیچ می‌شوند. در این زمینه مسأله مهمی که در خور توجه می‌باشد این است که نرخ بهره ای که به صورت مصنوعی توسط بانک مرکزی تعیین می‌گردد منجر به ایجاد اختلال و آشوب در بازارهای مالی خواهد شد و بحران اخیر این مسأله را به وضوح آشکار کرد. سؤالی که در اینجا مطرح است این است که آیا جایگزینی برای این نظام وجود دارد؟ امروزه مهمترین مشکلی که اقتصاد جهانی با آن روبرو است، افزایش افسارگسیخته بدهی و مهمتر از آن ریسک پرداخت بدهی‌های دولتی است. ریسک پرداخت بدهی‌های دولتی نه تنها در طولانی مدت تأثیر نامطلوب در ایجاد رکود اقتصادی گذاشته بلکه از طریق سرایت به سایر بخش‌ها نیز می‌تواند بخش‌های دیگر نظام مالی را آسیب رساند. با توجه به شرایط حاکم بر رشد اقتصادی، توانایی بازپرداخت بدهی مشکوک است. و این نکته نیز جالب است که ۷۵٪ از ابزارهای مالی دنیا نیز بدهی محورند. بنا بر این، توجه به نظام مالی که بر اساس نرخ بهره نباشد راه حل مناسبی خواهد بود. البته این مسأله به عنوان یکی از اصول موضوعه‌های سیستم اقتصادی جایگزین است.

اگر بخواهیم با رویکرد سیستمی، سیستم پول و بانکداری اسلامی را بنا بر آنچه گفته شد توصیف کنیم و توضیح دهیم ابتدا لازم است به جهت ضرورت توجه به سیستم‌ها و نظام‌های جانبی آن، این بحث را در داخل سیستم جامع‌تری یعنی در داخل سیستم اقتصادی اسلام توضیح دهیم و با نگاه کل به جزء و در چارچوب نظریه اقتصاد اسلامی به روش زیر به تبیین آن پردازیم. به همین منظور در ابتدا لازم است اصول و مؤلفه‌های حاکم بر نظام بانکداری اسلامی و عناصر کلیدی آن را مشخص نماییم

اصول و مشخصه‌های اصلی نظام بانکداری اسلامی

معیارهای اقتصادی

دو معیار بنیادین: حق و عدل

همان طوری که در مباحث نظری ناظر به ارکان اقتصاد اسلامی از سوی نگارنده در مقالات مختلف^۲ بحث شده است^۳، چنانچه بخواهیم اصول اقتصاد اسلامی و هسته اصلی اسلامیت در بانکداری اسلامی را توضیح دهیم به دو معیار تعیین کننده مهم یعنی "حق" و "عدل" می‌رسیم. "حق" بیانگر برنامه و کتاب آفرینش است که تجلی آن در اصول تکوینی بیان می‌شود و "عدل" بیانگر جوهره نظام تشریحی اسلام است که در تبیین اصول تشریحی به آن پرداخته می‌شود. این تعبیر به بیان روشن‌تر دیگری در آیه ۲۵ سوره حدید آمده است: لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ ترجمه: "هر آینه پیامبرانمان را با حجت‌های روشن و هویدا فرستادیم و با ایشان کتاب- که وسیله تمییز حق از باطل است- و ترازو فرو فرستادیم تا مردم به داد و انصاف برخیزند و آهن را فرو آوردیم که در آن نیرویی سخت- سلاح و وسایل کارزار و مانند آن- و سودهایی [دیگر] برای مردم است، و تا خدا کسی را که او و پیامبران‌ش را به نادیده یاری می‌کند بازشناسد. همانا

1. Ramsey (1928); Ramsey, F. P. (1928). A Mathematical Theory of Saving. Economic Journal. 38 (152). pp. 543-559

۲. رک مقاله ارکان اقتصاد اسلامی، دو فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۱، تابستان و پاییز ۱۳۸۷، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع) صص: ۱۷۳-۱۳۹

۳. البته ما وارد مباحث نظری اقتصاد اسلامی نشده ایم و فقط از ارکان آن که به تبع آن ارکان بانکداری اسلامی را هم تشکیل می‌دهد سخن گفته ایم.

خدا نیرومند و توانای بی‌همتا است".

بنابر این اقتصاد اسلامی و بالطبع بانکداری اسلامی بالضروره مبتنی بر «حق» و «عدل» است و هر سیستمی غیر از آن نمی‌تواند اسلامی باشد. حق مال به معنای استفاده صحیح از مال است که منجر به رشد و نمو ثروت در جامعه می‌شود. عدل بیانگر تعادل افقی و عمودی در این سیستم است و اقامه عدل منجر به «سعه» و پیشرفت در این سیستم می‌شود.

◀ معیار قوام

اقتصاد اسلامی و نهادهای مرتبط با آن به یک جهت مشخص توجه دارند، همه فعالیت‌های عوامل و کارگزاران اقتصادی در این مسیر در طول مأموریت تکوینی برای عمران و آبادانی در زمین و ایفای رسالت توحید افعالی معنی و جلوه می‌یابند. اقتصاد اسلامی یک اقتصاد قوام‌یافته است. در این اقتصاد ثروت رشد و نمو دارد و ارزش افزوده حقیقی ایجاد می‌شود و عمران و آبادانی افزایش می‌یابد. اقتصاد «قائم به ذات و غیر قائم به غیر» وصف این اقتصاد است که در آن به تعبیر شهید مطهری (رضوان الله علیه) ثروت به عنوان یگانه عامل مادی، در این اقتصاد از «رشد و نمو» برخوردار است و بر قدرت اقتصادی جامعه افزوده می‌شود (به تعبیری، «حق» مال در آن ایفا می‌گردد). اقتصاد اسلامی و به تبع آن نظام بانکداری اسلامی از مصادیق «اقتصاد سالم» است^۱. لذا بانکداری اسلامی شیوه‌ای از فعالیت اقتصادی را به دنبال دارد که جریان چرخش سرمایه و وجوه نقدی در آن به نحوی باشد که بر ثروت که یگانه وسیله مادی و پایه‌ای از پایه‌های زندگی است، بیافزاید و قدرت مالی را در تحصیل وسایل مادی و معنوی زندگی مضاعف کند و به طور خلاصه قوام بخش باشد.

انسان بر اساس مأموریت تکوینی، موجد ثروت و ارزش‌افزوده حقیقی است. انسان با کار مفید خویش، منابع طبیعی را به منابع سرمایه‌ای تبدیل نموده و بر ثروت جامعه می‌افزاید. دیگر موضوع مهم اقتصادی در این بحث موضوع مالکیت "ثروت" است. لذا «حق» فرد و بحث حق و حقوق افراد دخیل در فعالیت اقتصادی بحث تعیین‌کننده‌ای است. واضح است که توزیع منابع طبیعی و امکانات عمومی جامعه (توزیع قبل از تولید) از احکام ویژه‌ای برخوردار است («حق» برخوردار) و در مرحله بعد موضوع تعلق محصول به تولیدکننده (توزیع کارکردی) مطرح می‌شود و سپس موضوع توزیع محصولات و عواید (توزیع مجدد) و بررسی میزان دسترسی افراد و گروه‌های جامعه به ثروت و درآمد.

نظام‌سازی

◀ نهادسازی مبتنی بر حق و عدل

موضوع مهم دیگر در حوزه اقتصاد و بانکداری اسلامی، «نظام‌سازی» و تحلیل «نقش نهادهای اقتصادی در اقتصاد و تعیین روابط بایسته میان این نهادها» است.

اقتصاد اسلامی چه رابطه‌ای با نظام‌سازی و مدیریت اقتصادی جامعه دارد؟ ضرورت دارد که برای تغییر نظام واقع به نظام مطلوب (به تعبیر مرحوم شهید صدر (ره)) نهادسازی مناسب صورت پذیرد و روابط بین نهادها به نحو بایسته تنظیم شود. بنا بر این برای تطبیق نظام‌های کنونی با نظام بانکداری اسلامی نیازمند نهادسازی و تنظیم روابط نهادها می‌باشیم. در حوزه نظام‌سازی به حوزه تطبیق و تولید نظریات ناظر به نیازهای واقعی جامعه نیاز داریم. هسته مرکزی این مباحث، «عدل» است. عدل نهادهای اقتصادی جامعه را در یک وضع بایسته و تعادل سیستمی از حیث اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، و فرهنگی قرار می‌دهد و روابط بین نهادها را تعیین می‌کند. در این مرحله بحث "فقه‌الاقتصاد" نیز مطرح می‌شود که جایگاه این موضوع در یک اقتصاد مبتنی بر اندیشه و تفکر اسلامی انکارناپذیر است. محل ورود فقه بالمعنی‌الاصح (دستورالعمل‌ها و احکام اقتصادی موجود در شریعت) نیز در همین جاست. این احکام و دستورات، روابط بین نهادها را تعیین می‌کند و رفتار انسانها

۱. برای مطالعه بیشتر به کتابها و نوشته‌های نگارنده به ویژه کتاب عدالت و کارایی در نظام اقتصاد اسلامی، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع) مراجعه شود. (حسین عیوضلو، "عدالت و کارایی در تطبیق با نظام اقتصاد اسلامی"، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۵)

را جهت می‌دهد.

◀ مبانی تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی در سیستم اقتصاد اسلامی

در این حوزه مبحث مهم دیگری وجود دارد که آن را "فرایند تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی" می‌نامیم. در واقع جنبه‌ای دیگر از و صف جریان روبنایی اقتصاد، تبیین و توصیف نحوه و «فرایند تصمیم‌گیری عوامل اقتصادی در جریان تولید و مصرف» است. این تصمیمات مبنای رفتار را تشکیل می‌دهد. در اینجا اعتقاد مبنا و جوهره کار قرار می‌گیرد. از این منظر لازم است نقش انکارناپذیر "عقاید" در نظام تصمیم‌گیری مد نظر قرار گیرد. این مبنا جوهره نظام اقتصاد اسلامی است و تفاوت جوهری اقتصاد اسلامی با سایر نظامهای اقتصادی با همین مبنا و همچنین با ضرورت حلال بودن درآمدها و عواید اقتصادی تبیین می‌شود. واضح است مهمترین عامل تأثیرگذار در تصمیم‌گیری اقتصادی، فلسفه و جهان‌بینی اسلامی و شریعت اسلام است. زیر ساخت اقتصاد اسلامی هم به لحاظ نظری و هم به لحاظ رفتار و عملکرد، مبتنی بر اندیشه ناب اقتصاد اسلامی برگرفته از جهان‌بینی اسلامی است. با استفاده از این مبانی نظری، فروض رفتاری دینی جایگزین فروض اقتصاد نئوکلاسیکی متعارف خواهند شد. بر این اساس، رفتار مناسب در نظام بانکداری اسلامی و تنظیم نهادها و روابط رفتاری در بازارهای مورد بحث بر مبنای اصول و موازین نظری و تشریحی اقتصاد اسلامی تعیین می‌گردد.

بنابر این به عنوان نتیجه نظری از مباحث فوق سه معیار "حق" و "عدل" و "قوام" مبنای نظام سازی و تنظیم روابط در نظام بانکداری اسلامی شناخته می‌شود. حق در مقابل باطل به معنی انتساب به امر حقیقی و وجودی است. حق مال به معنای استفاده صحیح از مال است که منجر به رشد و نمو ثروت در جامعه شود. در عین حال بر اساس اصل تشریحی تبعیت نمو از اصل حاصل ارزش افزوده افراد و عواملی که در امر تولید ارزش افزوده مشارکت داشته اند باید به خود آن افراد بازگشت داده شود تا مصداق آیه ۸۵ سوره هود (ولاتبخسوالناس و لاتعتوا فی الأرض مفسدین) واقع نشویم.

از سوی دیگر "عدل" نهادهای اقتصادی جامعه را در یک وضعیت بایسته از حیث اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی قرار می‌دهد و روابط بین نهادها را تعیین می‌کند از آنجا که نظام تکوین بر مبنای حق و عدل قرار دارد، هر گونه در تصرف انسانها بر اموال باید مبتنی بر حق و عدل باشد و گرنه ظالمانه خواهد بود. آنچه در بحث عدالت اجتماعی مهم است تساوی هر یک از افراد در برابر قانون و برخورداری یکسان آنان از امکانات جامعه و لزوم رعایت تساوی در زمینه استحقاق‌های مساوی است. علاوه بر این تحقق عدالت اجتماعی در جامعه منوط به تعیین موازین و شؤون لازم الرعايه‌ای است که متضمن حفظ شأنیت و هویت هر یک از افراد در عین حفظ شأنیت و هویت جامعه است.^۱

نکته قابل توجه این است که خروجی عدالت از مجموعه تعاملات نظام حقوقی اسلام بر اساس رویکرد سیستمی عدالت بین افراد و انسان‌ها نیست. بلکه عدالت یک نهاد و سیستم است که در آن هر جزئی و از جمله احاد افراد باید در جایگاه صحیح خود قرار گیرند تا با انجام کار صحیح به روش صحیح، عمل صالح را در جامعه محقق سازند. وصف تحقق حق و عدل در جامعه اسلامی و در الگوی اقتصادی آن "قوام اقتصادی" در حوزه تولید و مصرف و نظام تصمیم‌گیری و تعاملات فردی و جمعی در روابط افراد و گروههای جامعه با یکدیگر و با طبیعت و اموال و داراییها را شکل می‌دهد که جایگاه شایسته اموال و داراییها را در سیستم اسلامی و نهادهای آن نشان می‌دهد. این جوهره بنیاد بانکداری اسلامی را تشکیل می‌دهد و بر این اساس اصول اساسی در بانکداری اسلامی را احصاء می‌کنیم.

ثبات پول در چارچوب نظام پولی و مالی اقتصاد اسلامی

رابطه وجود پول و معیار عدالت

مهمترین عنصر از حقیقت وجودی و ماهیت و جوهره بانک را عنصر "پول" تشکیل می‌دهد. به همین جهت تعریف ماهیت بانک و فعالیت آن کاملاً با تعریف پول مرتبط است.

۱. رک. حسین عیوضلو، "عدالت و کارایی در تطبیق با نظام اقتصاد اسلامی"، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۵، صص: ۶۵-۶۴.

همه می‌دانیم که وجود بانک بر اساس این واقعیت شکل گرفت که کسانی که طلا و نقره خود را به صرافان می‌سپردند و رسید دریافت می‌کردند لزوماً برای دریافت موجودی خود به آنان مراجعه نمی‌کردند. همین امر باعث شد که صرافان سودجو به تدریج به جای قرض دادن طلا و نقره به قرض دادن رسیده‌های پول پرداختند و از این طریق بهره نیز دریافت می‌کردند. به تدریج با تأسیس بانک رسیده‌های متحدالشکل حاکی از موجودی طلا و نقره رایج گردید. اما بزودی دارندگان رسیده‌ها متوجه شدند که ارزش رسیده‌های پول کاهش یافته است. آنچه برای مردم مهم بود نیل به وسیله مبادله قابل اعتماد بود که مبنای سنجش ارزش باشد اما ارزش آن دستخوش تغییر و تحول واقع نشود. اما بزودی دولتها متوجه شدند که از این طریق می‌توان به راحتی و البته در حدی که مقبولیت پول دچار خطر نشود عیار پول را تغییر داد و مقداری مس داخل نمود یا این که در سیستم پول کاغذی به انتشار اسکناس بیش از حجم طلا و نقره مسکوک اقدام نمود، امری که منافع آن عمدتاً به نفع سردمداران حکومتی است. به منظور کنترل این نوع سوء استفاده‌ها بود که طرفداران مکتب پولی خواستار حفظ تناظر یک به یک میان حجم اسکناس و حجم طلا و نقره مسکوک بودند. البته به تدریج به علت گسترش حجم فعالیت‌های اقتصادی یا افزایش سطح قیمت‌ها نیاز به پول در اقتصاد افزایش یافت و همین امر توجیه مناسبی را برای طرفداران مکتب بانکی فراهم ساخت تا از به هم زدن رابطه تناظر یک به یک دفاع کنند.

توجه به مباحث مبنایی فوق سؤال‌های مهمی را مطرح می‌سازد که لازم است مورد توجه نظریه پردازان اقتصاد اسلامی و فقهای معظم واقع شود. درست است که نظام بانکی با خلق پول می‌تواند زمینه مناسبی را برای حمایت از فعالیت‌های تولیدی فراهم سازد اما چه حجمی از خلق پول توسط نظام بانکی صرف این گونه فعالیت‌ها می‌شود؟ نظام بانکی به چه مجوزی به خلق پول می‌پردازد؟ آیا این کار باعث رشد و بقای قشر سرمایه‌دار نمی‌گردد؟ در صورتی که جواب مثبت باشد در این صورت این کار باعث "دولهٔ بین‌الاعنیاء" (چرخش اموال و ثروتها در دست ثروتمندان جامعه) می‌گردد که حرمت آن بر اساس اصول تشریحی اسلامی واضح است.

بر اساس این مبانی شایسته است ارزش پول را به عنوان کالایی اجتماعی تعریف کنیم که قوام آن به قرارداد اجتماعی و پذیرش عمومی است و دولت نمی‌تواند خارج از تعریف و خلقت آن در آن تصرف کند. به همین جهت می‌توان گفت:

"ارزش پول نه به عنوان کالای خصوصی و نه به عنوان کالای عمومی، بلکه به عنوان کالای مشترک است."

برخی از نظریه پردازان اقتصاد اسلامی از جمله دکتر توتونچیان، در کتاب ارزنده «پول و بانکداری اسلامی» تلاش زیادی به عمل آورده‌اند تا ثابت کنند پول نه به عنوان کالای خصوصی بلکه به عنوان کالای عمومی است.^۱ این نوع تلقی از پول دست دولت و بانک مرکزی و نظام بانکی وابسته به آنها را باز می‌کند تا بر اساس صلاحدید خود مهار پول و عملیات پولی را در دست داشته باشند. و با خلق پول یا کاهش ارزش آن از مردم و واحدهای اقتصادی مالیات مخفی دریافت کنند. این معضل در اقتصاد اسلامی بیشتر است و این به آن جهت است که متأسفانه اقتصاد اسلامی در اکثر ادبیات مرتبط با آن «دولت محور» تعریف شده است. در اقتصاد اسلامی با فرض اینکه دولت و نظام حاکمیتی صالح هستند، زمینه مناسبی برای هرگونه مصلحت‌اندیشی و تصرف در اموال ملی برای آنها فراهم شده است و در واقع تخصیص بر اساس مصالحی که دولت تشخیص می‌دهد جایگزین تخصیص بر اساس مکانیسم بازار و نظام عرضه و تقاضا شده است. این وضعیت در نظام بانکی ایران شدیدتر است و به مردم گفته می‌شود: چنانچه بخواهید پول و سرمایه شما در موارد مشروع به کار گرفته شود و دچار ربا نشوید باید پول خود را به بانک بسپارید که بانک اسلامی بنا به تعریف «اسلامی» عمل می‌کند، اما در عمل چه اتفاقی می‌افتد؟ در عمل شاهد هستیم که نظام بانکی بعد از گذشت سی سال از تجربه بانکداری بدون ربا در ایران تاکنون نتوانسته وکیل خوبی برای سپرده‌ها و وجوه مالی مردم باشد و عملاً نتوانسته از «حق» این اموال پاسداری نماید و آنها را در بهترین شرایط و به منظور ایجاد منطقی‌ترین نرخ بازدهی به کار بگیرد.

۱. ایرج توتونچیان. (۱۳۷۹). پول و بانکداری اسلامی و مقایسه آن با نظام سرمایه‌داری، انتشارات توانگران، صص: ۸۲-۹۷.

به نظر می‌رسد به جای تأکید بر اینکه پول کالای عمومی است، شایسته است بگوئیم «ارزش پول کالای مشترک^۱ است». اصطلاح کالای مشترک شاید اول بار توسط سایمون^۲ مورد استفاده واقع شده است و این فکر توسط رارک و ککران^۳ در مقاله «کالای مشترک و عدالت اقتصادی» در چهارچوب تفکر «یوسایمون» در مجله علم سیاست در سال ۱۹۹۲ مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. بر اساس این تفکر، «جامعه» و کالای مشترک به طور بنیادی با هم ارتباط دارند. «وجود کالای مشترک مردم را قادر می‌سازد تا کالاهای مادی، ارزش‌ها و تجارب مشترک ایجاد و در آنها شریک شوند^۴». کالای مشترک در سطح یک نظام اقتصادی حاصل عملکرد مجموعه افراد و هنجارهای به کار گرفته شده در آن نظام است و کالاهای حاصل مورد بهره‌برداری همه افراد جامعه قرار می‌گیرد و همگان در تولید و بهره‌برداری از آن مشارکت دارند. تفاوت کالای مشترک با کالای عمومی در آن است که کالای عمومی را دولت تولید می‌کند اما این نوع کالاها را همه عناصر مؤثر در جامعه (هم مردم و هم دولت) تولید می‌کنند. این نوع تعبیر از عملکرد نظام با دیدگاه اسلامی نیز هماهنگی دارد، زیرا همه افراد در برابر آنچه به بار می‌آورند مسئول و پاسخگو هستند. و لذا به عنوان «امت» مورد سؤال واقع می‌شوند. از جمله کالاهای مشترک در جامعه «عدالت اجتماعی» است که فرد فرد مردم و حکومت موظف هستند که قیام به قسط نمایند و برای تحقق آن در جامعه تلاش کنند. مرحوم علامه طباطبایی (ره) ضمن تعریف عدالت اجتماعی اضافه می‌کند: «و این خصلتی است اجتماعی که فرد فرد مکلفین مأمور به انجام آن هستند. به این معنا که خدای سبحان دستور می‌دهد که هر یک از افراد اجتماع عدالت را برقرار کنند و لازمه آن این می‌شود که این امر متعلق به «مجموع» آنان نیز بوده باشد. پس هر فرد مأمور به اقامه این حکم هستند و هم جامعه که حکومت عهده‌دار زمام آن است.^۵»

از جمله محوری‌ترین مصادیق و نهادهای عدالت اجتماعی در جامعه «پول» است که قوام آن نشانگر قوام اجتماعی جامعه است و کاهش ارزش آن نشانه‌ای است از گسیختگی قرارداد اجتماعی. مهمترین قرارداد اجتماعی در یک جامعه مدنی حفظ ارزش پول جامعه است که در اثر آن کلیه میزان‌ها و مبادلات بر مبنای معیار قابل اعتماد و مورد وثوقی تعریف می‌شود و گرنه چنانچه این معیار دچار کاهش ارزش و تباهی شود کلیه معاملات و قراردادهای در سطح جامعه تحت تأثیر واقع شده و دارای شبهه می‌شوند. به همین جهت است که امام سجاد (ع) از ما خواسته است که «مال» را از موضع اصلی و تعریف شده‌اش خارج نکنیم:

«و لا تحرفه عن مواضعه و لا تصرفه عن حقائقه^۶»

(و آن را (مال را) از موضع و جایگاه (بایسته‌اش) منحرف نکن و از حقیقت آن خارج مساز و یا در روایت امام صادق (ع) گفته شده است که به وسیله «پول» امور و خواسته‌های مردم برپا می‌گردد.

«بها تستقیم شئونهم و مطالبهم^۷»

بنابراین آنچه گذشت، مردم و دولت به طور مشترک مسئول حفظ ارزش پول ملی و قوام آن هستند و هرگونه انحراف از این موضع از طریق عملیات ربوی، خلق پول، تصرف غیرتعریف شده در سپرده‌های مردم و استفاده غیرکارا و در غیر موضع اقتصادی و سفیهانه از این اموال باعث کاهش ارزش و تباهی پول می‌گردد. به همین ترتیب، هرگونه تصرف‌های غیراصولی دولت در نظام اقتصادی که باعث ایجاد تورم و کاهش ارزش پول می‌شود در مسیر استفاده غیراصولی و غیرعقلانه از پول به عنوان قرارداد اجتماعی و نهاد عدالت اجتماعی تعریف می‌شود که به سبب ضرری که به همه بهره‌برداران از آن وارد می‌سازد نامشروع و حرام است.

1. Common Goods

2. yves R.simon

3. cg. Thomas R. Rourke and Clarke E. cochran, "The common good and Economic justice: Reflections on the thought of yves R. simon", in: "The Review of Politics", Vol.54,1992,pp:231-235.

۴. ر.ک. محمد حسین طباطبایی. تفسیر المیزان، ج ۲۴. ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، ص ۲۳۲.

۵. همان مأخذ، ص ۲۴۵.

۶. تحفالعقول، ص ۱۹۱؛ و محمدرضا حکیمی. (۱۳۶۸). الحیاه، ج ۳، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۷. میزان‌الحکمه، ج ۹، ص ۲۸۵.

رابطه بخش حقیقی اقتصاد با عقود بانکی

ماهیت بانک هر چه باشد نمی‌تواند فلسفه و علت وجودی پول را تغییر دهد. فلسفه پیدایش پول بر این مبنا واقع است که پول به عنوان واسطه مبادله و وسیله سنجش ارزش باشد و قدرت خرید هر فرد را نشان دهد و در نظامی به کار گرفته شود که عزم ملی در جهت حفظ ارزش آن باشد.

این مهم حداقل در حد وظیفه و جایگاه پول مورد توجه ائمه معصومین و علمای اسلامی بوده است که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

امام محمد غزالی در کتاب «احیاء علوم الدین» می‌فرماید:

فخلق الله تعالی الدنانیر و الدراهم حاکمین و متوسطین بین سائر الاموال حتی تقدّر الاموال بهما^۱.

یعنی اصل خلقت و تعبیه الهی نقدین (طلا و نقره)، به منظور و ساطت و ابزار تبادل بودن این دو در میان سایر اموال می‌باشد که به واسطه آنها اشیاء و اموال تقدیر و اندازه‌گیری می‌شوند. غزالی در ادامه می‌افزاید:

فاذن خلقهما الله تعالی لتتداولهما الأیدی و یكونا حاکمین بین الاموال بالعدل و لحکمة اخرى و هی التوسل بهما الی سایر الاشیاء و لانهما عزیزان فی انفسهما و لاغرض فی اعیانهما و نسبتهما الی سائر الاحوال نسبة واحدة، فمن ملکهما فکانه ملک کل شیء لا کمن ملک ثوباً فانه لم یملک الا الثوب و... و هو فی معناه کانه کل الاشیاء^۲.

ترجمه: پس بنابراین، خداوند تعالی این دو را خلق کرد تا در بازارها و در دست مردم به تداول درآید و در جریان باشد و به عنوان حاکم و داور عادل بین اموال و کالاها قرار گیرد و حکمت دیگر آن است که از طریق آنها، اشخاص به اشیای مورد نظر خود، دسترسی حاصل نمایند. زیرا این دو، از فلزات گرانبها و عزیز هستند و اعیان و ذوات آنها، مطلوب بالذات واقع نمی‌شوند و نسبت این دو با اجناس دیگر، یک نسبت واحد می‌باشد و هرگاه شخصی به این دو دست یابد مثل این است که همه چیز را در ملک خود دارد؛ یعنی به سهولت به هر چیزی که اراده کند قابل تبدیل می‌باشد و این طور نیست که مثلاً لباسی یا خوراکی در اختیار او قرار گرفته باشد؛ بلکه پول هرچند یک شیء بیشتر نیست، لیکن به حسب تعریف گویی تمامی اشیاء است.

ابن خلدون مشابه این تعبیر را، به این صورت دارد که خداوند این دو سنگ معدنی "زر و سیم" را برای قیمت اشیاء و اموال قرار داده است^۳.

در روایتی از امام صادق (ع) نیز، آمده است که:

"هی خواتیم الله فی ارضه جعلها الله مصلحةً لخلقها و بها تستقیم شؤونهم و مطالبهم"^۴

دینار و درهم، مهرها و زینت‌های خدا در زمین هستند که خداوند آنها را به جهت مصالح خلقتش قرار داد. و به وسیله آنها، امور و خواسته‌هایشان برپا می‌گردد.

بنابر آنچه گفته شد، لازم است پول بر اساس خلقت الهی و حکمتی که در ایجاد آن قرار داده شده است، به عنوان ارزش و وسیله مبادله استفاده شود و هرگونه استفاده دیگر از آن که آن را مطلوب با لذات قرار دهد، نقض غرض خواهد بود و می‌تواند به ربا منجر شود. مرحوم شهید مرتضی مطهری تعبیر بسیار حکیمانه‌ای در این باره دارند و می‌فرمایند:

"ارزش پول در سلسله معلولات مبادله است. بر خلاف ارزش کالاها که در سلسله علل مبادلات است."^۵

۱. امام محمدغزالی. (۱۴۰۲). احیاء العلوم الدین، ج ۴، دارالمعرفه بیروت، ص ۹۰.

۲. همان مأخذ، ص ۹۰.

۳. ابن خلدون، مقدمه ابن خلدون، ص ۷۵۵.

۴. میزان الحکمه، ج ۹، ص ۲۸۵.

۵. مطهری مرتضی (۱۳۶۴)، "ربا، بانک و بیمه"، انتشارات صدرا، ص ۱۷۵.

کاربرد عملی این بحث آن است که عملیات بانکی تسهیل کننده معاملات در بخش واقعی اقتصاد با شد نه اینکه نظام بانکی خود بخواد بر نظام قیمتها سایه افکند و با تشدید تورم و افزایش هزینه ها جریان تصمیم گیری اقتصادی در بخش واقعی را مختل سازد. به همین جهت است که نظریه پردازان بانکداری اسلامی همواره با گسترش بازار پول در اقتصاد اسلامی مخالفت کرده اند.

بر این مبنا می توان گفت جوهره اصلی نظام بانکداری اسلامی آن است که کلیه عملیات بانکی بر مبنای بخش واقعی اقتصاد پایه ریزی شود.

دقت و تامل در بحث فوق بیان از این حکمت و سنت تکوینی دارد که قیمتتهایی عادلانه اند که در بازار حقیقی اقتصاد و بر پایه هزینه های مرتبط با کار و تلاش تعیین شوند. فقط در این شرایط است که شایستگی افراد یا عوامل تولید معین می گردد.

این نکته مبنایی کاربرد عقود بانکی مندرج در قانون عملیات بانکی بدون ربا را به خوبی توجیه می نماید اما سوال مهم این است که آیا واضعان این قانون و طرفداران آن به ضرورت تعیین قیمتها از سوی بازار عادلانه توجه داشته اند؟ عملکرد بانکداری بدون ربا در ایران که عمدتاً به تطبیق صوری عملیات بانکی با عقود اسلامی بسنده کرده اند خود مؤید این حقیقت است که آنان به لزوم تعیین قیمت در بازار حقیقی اهمیت نداده اند.

عدم تعادل های ناشی از ساختار سیستم بانکداری متعارف

نظام مالی متعارف یک نظام مبتنی بر بدهی و بهره است. این نظام نسبت به بسیاری از منابع بی ثباتی، آسیب پذیر است. به ویژه اینکه گسترده شدن اعتبارات هیچ ارتباط مستقیمی با سرمایه واقعی ندارد و ممکن است قوی تر از سرمایه بشود. اقتصاد ممکن است از طریق تکثیرکنندگان و افزایش دهندگان اعتبار، با گسترش اعتبارات بدون پشتوانه روبرو شود. نرخ بهره ممکن است از نرخ طبیعی بهره منحرف شود و می تواند باعث افزایش سفته بازی و رکود دارایی ها گردد. سفته بازی خود منجر به تولید بدهی نامحدود می شود. وقتی که رکود پدید می آید نکول را به دنبال خود می آورد، زیرا بدهی ها بر اساس دارایی های مالی به وجود آمده بودند که هیچ وثیقه واقعی نداشته اند. در مالی متعارف بانک ها حتی با وجود مقرراتی مانند بازل، شرایط ذاتی ثبات ترانزنامه را رعایت نمی کنند، طبق قانون، بانک ها وظیفه دارند که بدهی اسمی خود را به طور کامل تضمین کنند. اگر دارایی را از دست می دهند بانک ها باید این زیان را از طرقی نظیر ذخایر سرمایه ای خود، بازنگری در ساختار سرمایه بانک یا کمک های دولتی پوشش دهند. جریان ایجاد بدهی آنها هیچ اساس واقعی ندارد و متعاقباً وقتی که جریان نقدی واقعی بیش از آنچه انتظار می رود به طور زیادی کاهش یابد، نگاه بانک ها به شدت زیان می دهند.

ایجاد اهرم در سیستم مبتنی بر بهره باعث می شود تا سیستم مالی در اثر کوچکترین شوک مقاومت خود را از دست داده و به ورشکستگی برسد و از پرداخت دیون خود ناتوان گردد. معمولاً در بحران های ناشی از سیستم مبتنی بر ایجاد اهرم مالی، بانک های مرکزی به عنوان آخرین قرض دهنده ورود می کنند و با توجیه جلوگیری از سرایت بحران، به بانک های در حال سقوط کمک می کنند. بار این هزینه ها بر عهده پرداخت کنندگان مالیات، کارگران، بازنشستگان و فقرا خواهد بود، این در صورتی است که در مواقعی که در رونق اقتصادی قرار می گیریم، نام بردگان فوق از منافع ناشی از افزایش قیمت دارایی، بی بهره هستند. اهرم های مالی ناشی از شوک های مالی که فضای نااطمینانی در اقتصاد ایجاد کرده است باعث به وجود آمدن انحراف در قیمت ها شده و تورم در قیمت ها را در پی دارد. بیکاری های طولانی مدت، جرم و کاهش سلامت مساله ای است که در طول تاریخ در مواجهه با بحران های مالی به وجود آمده است.

توزیع نا عادلانه ثروت و فرسایش سرمایه اجتماعی از دیگر هزینه های این عدم تعادل ها در ساختار متعارف است. هزینه تنظیم مقررات در هر بحران که ناشی از نقش منفعل تنظیم و نظارت در نوآوری های مالی مبتنی بر بدهی و بهره است نیز از دیگر هزینه های ساختار بی تعادل سیستم مالی متعارف می باشد. همه انواع این هزینه ها به خاطر انحراف بخش مالی از بخش واقعی اقتصاد می باشد. سیستم مالی که نرخ ها مبتنی بر

بخش واقعی اقتصاد باشد و از سفته بازی و جریان "همراستا با چرخه ۱" جلوگیری کند این هزینه‌ها که به صورت نظام وار، رفاه و اخلاق را در جامعه به چالش می‌کشد مبرا خواهد بود. لذا به دلیل آسیب‌های ناشی از این هزینه‌ها بخش واقعی اقتصاد و نرخ‌های مبتنی بر بخش واقعی در مقابل بخش اسمی مورد تأکید قرار می‌گیرد. استفاده از عقود اسلامی نه به شکل صوری بلکه به صورت واقعی سبب می‌شود تا جریان خلق اعتبار به صورت ضد چرخه ۲ باشد و از گسترده شدن اعتبارات بی‌پشتوانه جلوگیری به عمل آید.

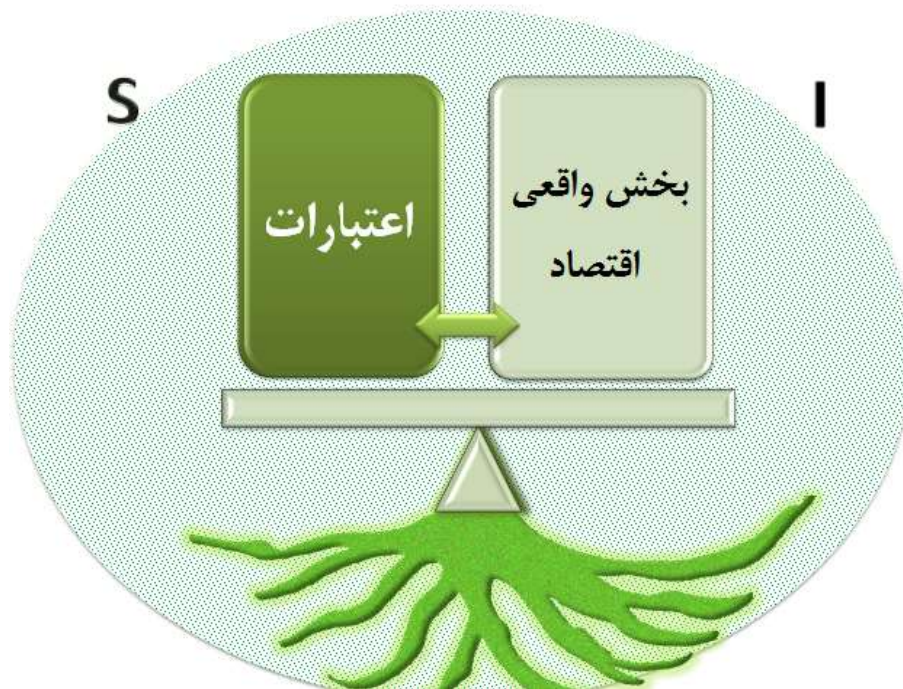
در بانکداری اسلامی هیچ اعتباری بدون اساس و بی ضابطه ایجاد نمی‌شود. در بانکداری متعارف سپرده‌های بانک‌ها می‌تواند در یک لحظه وام داده شود یا برای خرید یک دارایی مالی استفاده شود و ذخایری شود برای یک وام جدید در بانک دوم که به این ترتیب به افزایش قدرت خرید و تورم قیمت‌های کالاها و دارایی‌ها منجر شود؛ اما چنین کاری در بانکداری اسلامی مقدور نیست. ذخایر باید مستقیماً توسط بانک دوباره در تجارت یا فعالیت تولید سرمایه‌گذاری شود و در بخش واقعی ما به ازاء واقعی پیدا کند تا جریان‌های تازه‌ای از کالا و خدمات پدید آید. جریان‌های جدید پول از فروش کالا و خدمات است که شکل می‌گیرد. در اقتصاد اسلامی در واقع پول با حرکت قلم و با صرف مبادلات کاغذی و دفتری و مستقل از تولید کالا یا ارائه خدمات به وجود نمی‌آید. سرمایه‌گذاری معادل پس‌انداز است و مجموع کالا و خدمات همواره مساوی است با مجموع تقاضا. در این حالت دیگر آشفته‌گی بانکی یا سفته‌بازی وجود ندارد. زیرا در این حالت، منبع اعتباری سفته‌بازی که همانا تکثیر اعتبار (بدون مابه‌ازاء بخش واقعی) است وجود ندارد. بر اساس این نوع بانکداری، در فرایند خلق پول نیز باید مابه‌ازا و انتساب به حق وجود داشته باشد و این اعتباردهی بر اساس مابه‌ازای خارجی در بخش واقعی صورت می‌گیرد، لذا فرایند خلق اعتبار بر اساس تغییرات گذشته، حال و آینده در بخش واقعی اقتصاد است. با توجه به توضیحات فوق می‌توان چنین ادعا کرد که خلق اعتبار در اقتصاد اسلامی ممکن است و نفی نمی‌شود اما به این شرط که فرایند خلق اعتبار مبتنی بر تعریف مشخص کار و فعالیت اقتصادی در بخش واقعی اقتصاد باشد و تغییرات واقعی ارزش افزوده در آن فعالیت را انعکاس دهد.

نگاره ۱. بانکداری متعارف



1. procyclical
2. Countercyclical

نگاره ۲. بانکداری اسلامی



سهم سرمایه نقدی در فعالیت اقتصادی

در تعیین سهم بری عوامل تولید یا سهم هر یک از طرفین قرار داد، «اصل ثبات مالکیت» و همینطور اصل «تبعیت نماء از اصل» اهمیت و نقش اساس دارند: به این معنا که هر گونه رشد و نمو در اصل مال بوجود آید از آن صاحب مال است. به همین جهت است که مالکیت بذر و نهال، مالکیت زراعت و درخت حاصل از آن ها را به دنبال دارد و به همین ترتیب افزایش قیمت مبادلاتی کالا که بر اثر کار و ایجاد کیفیت و صورت جدید به وجود آمده است تابع مالکیت همان کالا است، یعنی مالک کالا مالک افزایش قیمت مبادلاتی آن کالا نیز هست.

سهم سرمایه نقدی از نتیجه فعالیت گردیده است بنابر این هیچ مازادی بر اصل مال قرض داده شده تعلق نمی گیرد و تعیین هر گونه مازاد بر اصل مال قرضی را تلقی می گردد.^۱

سر جواز سود در عقود مشارکتی نظیر: مضاربه و مشارکت در این است که در این عقود، انتقال مالکیت صورت نمی پذیرد و مالکیت سرمایه گذار نسبت به سرمایه ادامه می یابد و علاوه بر این، عامل یا فرد سرمایه پذیر، ضمانت اصل سرمایه مربوط به سرمایه گذار را بر عهده ندارد و لذا سرمایه گذار در سود و زیان فعالیت اقتصادی سهیم می گردد. به عبارت دیگر، سرمایه گذار در ریسک مربوط به فعالیت اقتصادی، مشارکت می نماید

در اقتصاد اسلامی دارائیهای مالی یا وجوه سرمایه گذاری همانند پول نقد زمانی عایدی خواهند داشت که بر اساس عقود شرعی اسلامی در فعالیت مشروع اقتصادی به کار گرفته شوند. برخی از عقود اسلامی نظیر اجاره به شرط تملیک، فروش اقساطی و تنزیل دارای نرخ بازده ثابت می باشند که بر اساس ارزیابی کالاهای مورد معامله و انتظارات طرفین تعیین می

۱. قرض عقدی است که به موجب آن یکی از طرفین، مقدار معینی از مال خود را تا مدت مشخصی به طرف دیگر تملیک می کند (ملک او می کند) و طرف مقابل لازم است عین یا مثل آن را از حیث مقدار و جنس و صفات بعد از گذشت مدت قرارداد به وام دهنده برگرداند و در صورتی که معذور از رد مثل آن باشد باید قیمت آن را بدهد. نکته مهم در این قرارداد این است که، وام گیرنده، برگرداندن اصل مال قرض گرفته را ضامن است و هرگونه خسارت و یا نابودی آن بر عهده قرض گیرنده است. امام خمینی (ره) در تحریرالوسیله می نویسد: قرض در اصطلاح عبارت است از، تملیک مال به دیگری در مقابل ضمان (و هو تملیک مال للآخر بالضمان)..

شوند. برخی دیگر از عقود همانند مضاربه و مشارکت بر اساس سهم از قبل تعیین شده منعقد می‌شوند و لذا دارای سود ثابت نیستند. برخی دیگر از عقود نظیر جعاله دارای مبلغ درآمد ثابت از قبل تعیین شده هستند.

قیمت گذاری دارائی‌های مالی و سرمایه نقدی

بر اساس موضوعاتی که مورد بحث واقع شد می‌توان به جمع‌بندی ذیل به ویژه در خصوص قیمت گذاری داراییهای مالی و سرمایه نقدی به شرح زیر دست یافت:

۱- تعیین نرخ بهره برای دارنده سرمایه پولی که بازگشت اصل آن تعیین شده است ربا تلقی می‌شود و هیچگونه بازدهی به آن تعلق نمی‌گیرد. تعلق درآمد به این نوع دارایی یا سرمایه مالی بهره یا ربا خوانده می‌شود و حرام است.

۲- در عین حال دارنده مالی انتظار دارد در ازای منابعی که سرمایه گذاری می‌کند و این سرمایه گذاری زمان بر است، بازگشت حقیقی عادلانه‌ای را در آینده دریافت نماید. این درآمد به عنوان «درآمد سرمایه» یا «بهره طبیعی» خوانده می‌شود و نباید با «ربا» یکی گرفته شود.

اطمینان سرمایه گذار به بازگشت حقیقی عادلانه او در آینده به چارچوب نهادی اقتصاد و استحکام قراردادهای اجتماعی مرتبط است که در اثر آن امکان سرمایه گذاری در افق بلند مدت در اقتصاد حاصل می‌گردد و گرنه معاملات اقتصادی در افق کوتاه مدت و فعالیتهای تجاری جریان خواهد یافت. این مقدار عواید انتظاری در ادبیات اقتصادی با عنوان «درآمد انتظاری سرمایه» یا «بهره طبیعی» نامیده می‌شود که میان حال و آینده رابطه برقرار کرده و به عنوان قیمت بین زمانی سرمایه تعادل پایدار اقتصاد کلان را تضمین می‌نماید. این «بهره طبیعی» به هیچوجه با بهره تعریف شده به عنوان ربا (مورد ۱) همخوانی ندارد. بهره تعریف شده در خصوص عقد قرض به عنوان درآمد ربوی شناخته می‌شود و حرام است، اما بهره طبیعی هر چند می‌تواند به عنوان مبنای تصمیم‌گیری اقتصادی در خصوص تعیین قیمت کالاها و خدمات و عوامل تولید و حتی درصد سهم بری از سود در عقود مشارکتی تعریف شود اما موضوع قرار داد نیست و قراردادهای در اقتصاد اسلامی بر پایه تعاریف حقوقی و فقهی مربوط انجام می‌پذیرد. به همین جهت تحلیل اثرات نرخ بهره طبیعی در اقتصاد و مبنای قرار گرفتن آن در تحلیل قیمت‌های تعادلی منافاتی با چارچوب نظریه‌های اقتصاد اسلامی ندارد.

برخی از اقتصاددانان از این نرخ به عنوان «نرخ نسبی» یاد کرده‌اند که حاکی از رجحان زمانی است^۱ و با نرخ بهره موضوع قراردادهای ربوی متفاوت است. نکته مهم در اینجا آن است که تعیین هر گونه نرخ بازده یا قیمت اگر با قیمت‌های تعادلی تضمین‌کننده پایداری اقتصاد منافات داشته باشد از دیدگاه اسلامی باید مصداق نرخ گزاف و غیر منصفانه و اکل مال به باطل تلقی شود و گرنه نمی‌توان از قیمت عادلانه یا قیمت طبیعی و منصفانه سخن گفت.

۳- برای پول نیز می‌توان قیمت سایه‌ای در نظر گرفت، قیمت سایه‌ای پول نرخ بازده بالقوه‌ای است که از طریق به کارگیری آن به عنوان سرمایه نقدی در قراردادهای مشروع اسلامی قابل حصول است. براین اساس، دارنده پول به عنوان کسی که حق مال خود را باید ادا کند، موظف است که به کاربردهای جایگزین پول خود توجه داشته باشد و از اتلاف یا به کارگیری آن در موارد کم بازده خودداری کند مگر اینکه توجیه قوی تری به عنوان منافع اجتماعی یا منافع انتظاری در آینده ارائه کند.

نکته مهم دیگر در خصوص نرخ بهره (بازدهی) طبیعی و همچنین در تعیین نرخ تنزیل آن است که اگرچه افراد و گروه‌ها در اقتصاد اسلامی، هنگام تصمیم‌گیری، اطلاعات و ارزیابی‌های خود را در چهارچوب قوانین و معیارهای مشخص حقوقی به کار می‌گیرند و تصمیم این نرخ‌ها برای کل جامعه و تبعیت دیگران از این نرخ‌ها صحیح نیست، اما در عین حال، این امر منافاتی با تعیین نرخ مشخص به عنوان نرخ موزون، جهت مطالعه و تحلیل فرآیندهای واقعی اقتصادی در هر یک از جوامع ندارد. چه اینکه این نرخ موزون صرفاً جنبه تحلیلی برای پیش‌بینی روند آتی دارد اما نمی‌تواند به طور صریح مبنای بازدهی

قرار گیرد. در عین حال، دخالت دادن نرخ بازدهی طبیعی به عنوان بازدهی بالقوه برای مال در هنگام تصمیم‌گیری برای تخصیص در یک امر سرمایه‌گذاری یا بهره‌برداری از آن چه مانع شرعی می‌تواند داشته باشد جز اینکه افرادی که این ارزیابی‌ها را دارند می‌توانند باعث به کارگیری مال در موضع قوام و بایسته آن شوند. حتی اگرچه این نرخ بازده نمی‌تواند به صورت صریح مبنای تعیین نرخ بهره یا نرخ سود قطعی قرار گیرد اما در تعیین سهم سود او در قرارداد مشارکتی تأثیر مستقیم دارد.

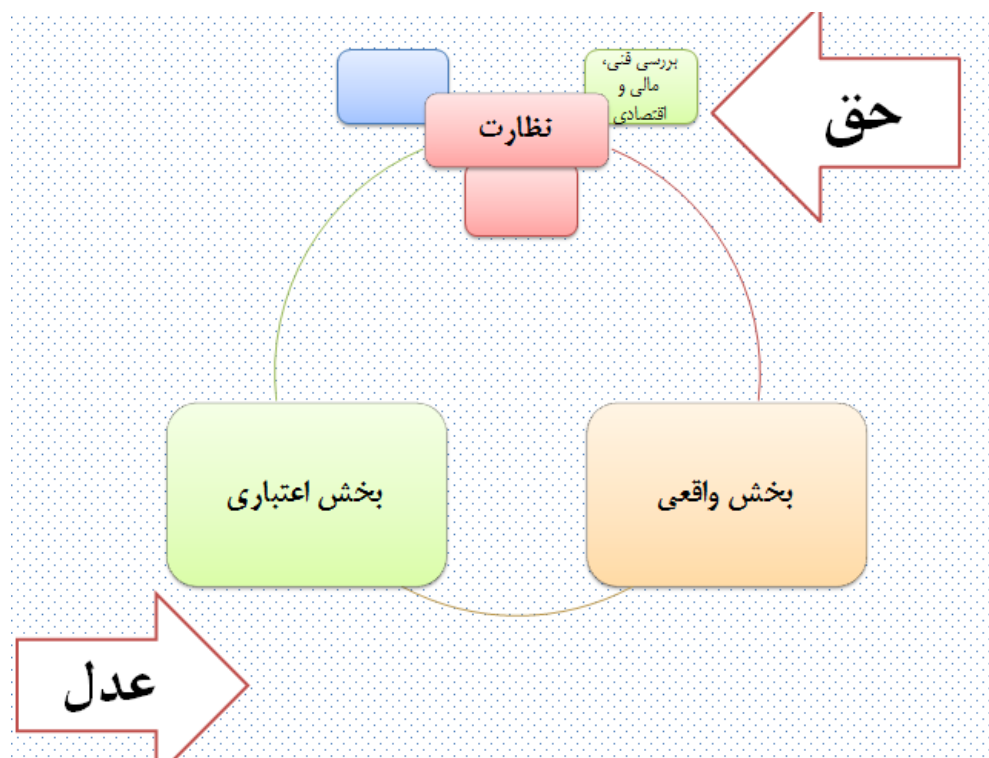
۴- آنچه در مباحث فوق مطرح شد از باب مبانی قیمت‌گذاری در اقتصاد و بانکداری اسلامی بود که می‌تواند با معیار "حق" نیز هماهنگی داشته باشد، اما باید توجه داشت این موارد برای داشتن برآوردی از نرخ‌های بازدهی واقعی در کلان اقتصاد بود که البته در تصمیم‌گیری خرد افراد نیز مؤثر است اما در هر حال باید تأکید کرد که در هر حال بر اساس نظام حق و عدل در هنگام قیمت‌گذاری در عقود مبادله‌ای حتماً باید بر اساس قیمت واقعی مبادلات در بازار تصمیم گرفته شود و در عقود مشارکتی نیز مبنای حقی جز آنچه در عمل از نتیجه قرارداد یا طرح مشارکتی حاصل خواهد شد وجود ندارد.

۵- تعیین دستوری نرخ‌های سود (بدون ارتباط آن با بخش واقعی اقتصاد) نه بر اساس منطق اقتصادی و نه بر اساس موازین اسلامی هیچ وجهی ندارد. در چارچوب اسلامی اصل بر آن است که هر نوع تعیین دستوری یا تکلیفی قیمت و یا سود در معاملات، به لحاظ شرعی ناصحیح است و باید از آن اجتناب نمود. به عبارت دیگر، طرفین معامله باید بتوانند با توجه به شرایط عرضه و تقاضای بازار و با توجه به ملاحظاتی که دارند، هر قیمتی که علاقمند هستند را برای معامله خود در نظر بگیرند (حسینی، ۱۳۸۴، ص ۱۸). بررسی آیات و روایات در مسأله جواز یا عدم جواز قیمت‌گذاری از سوی حاکم اسلامی، به خوبی نشان می‌دهد، که لازم است بین ضابطه عمومی و دلایل و روایات خاص تفکیک قائل شد. در واقع، ابتدا باید از نظر دین اسلام، ضابطه کلی و اصل در تعیین قیمت را مشخص کرد و پس از آنکه اصل اساسی مشخص شد، به تحلیل روایات گوناگونی که در رابطه با این موضوع مطرح شده است، اقدام نمود. در این راستا، ارزیابی منابع اسلامی نشان می‌دهد که ضابطه کلی در مقوله قیمت‌گذاری، «ناصرحیح بودن تحمیل قیمت به افراد جامعه» است. در واقع، از منظر اسلام مردم در مصرف اموال خود شان آزادند و تصرف دیگران نیز متوقف به رضایت مالک هر مال است و با توجه به اینکه تعیین قیمت با آزادی مذکور منافات داشته و نارضایتی مالک را به دنبال خواهد داشت، لذا تعیین قیمت در حالت کلی عملی غیر شرعی می‌باشد (حلی، ۱۳۳۳ق، ص ۲۲۳).

مسأله نظارت

طبق عقود اسلامی بانک و کیل سرمایه‌گذاران است و بنا است در خدمت بخش واقعی اقتصاد برای توسعه اقتصادی کشور باشد. اما اگر بانک و در کل، سیستم مالی کشور که از نهادهایی تشکیل شده است و در وضعیت بایسته باید در خدمت نظام باشد (نه آنکه نظام در خدمت نهادهای سیستم مالی باشد). این نهادها چنانچه صرفاً به دنبال اهداف بنگاهی خود باشند و در جهت منافع خود پیش روند و نظام را مختل کنند اهداف اقتصاد اسلامی مورد خدشه قرار خواهد گرفت و همان طور که قبلاً اشاره شد اگر چه هنوز نام سیستم بر آن می‌نهییم اما این سیستم، سیستم اقتصاد اسلامی نیست. و کیل نیز باید همواره با مکانیزم‌ها و کارویژه‌های نهاد مالی مورد نظارت قرار گیرد.

نگاره ۳. بررسی‌های کارشناسی و نظارت



اما با توجه به اینکه این منظور را در نظام سازی بانکداری اسلامی تا کنون دنبال نکرده ایم با مشکلات زیر روبه‌رو هستیم که ثبات نظام پولی و مالی را با چالش مواجه می‌کند.

- ◀ آثار تکاثری نظام بانکی
- ◀ خطرات گزینش نامناسب و خطر اخلاقی
- ◀ عدم بررسی اقتصادی، فنی و مالی طرح‌ها و نظارت مؤثر

نظام بانکداری اسلامی

منظور از نظام بانکداری اسلامی معرفی سیستم جامعی مرکب از اجزاء، روابط و اهداف ویژه‌ای است که:

- ◀ اولاً، همه ارکان آن اسلامی باشند.
- ◀ ثانیاً، با یکدیگر سازگار باشند و همدیگر را نفی نکنند، یعنی با تحقق اجزا و روابط مورد بحث هدف تعیین شده قابل دستیابی باشد.
- ◀ ثالثاً، بر اساس اصول، معیارها، قوانین و روابط اثباتی اقتصاد اسلامی، راهبردها و سیاست‌های مشخصی را برای کارکرد مناسب سیستم مالی و بانکی اسلام ارائه دهد.
- ◀ رابعاً، راهکارهای مناسبی را برای توسعه و پیشرفت کشور فراهم سازد و شیوه‌ها و مراحل اجرایی هر یک از راهکارها را به نحو معتبر و قابل قبول مشخص سازد.
- ◀ بر پایه اصول مبنایی و چهارچوب نظری سیستم پولی و مالی اقتصاد و بانکداری اسلامی که در بحث‌های پیشین ذکر شد، می‌توان روابط نظری سازگار با این اصول و چهارچوب را استنتاج نمود. نکته روش شناسی این نوع بحث آن است که روابط استنتاجی حاصل اصول و چهارچوب نظری فوق‌الذکر می‌باشند و نباید با آن موارد ناسازگار باشند.

احکام کلان سیستمی

در این بخش قصد داریم به نتایج حاصل از بررسی‌های مختلف نگارنده و به منظور رعایت اجمال در نگارش مقاله صرفاً به دو بخش احکام کلان سیستمی زیربنا و روبنا حاصل از رویکرد سیستمی و تعمیم اصولی که در بخش ۳ اشاره شد اشاره اجمالی داشته باشیم^۱.

احکام و اصول زیر بنا

در جوهر سیستم بانکداری اسلامی قبل از هر چیز تنظیم "نگرش" مهم است؛ جایگاه ما در نظام هستی، مأموریت تکوینی ما و درک فلسفه خلقت و عبادت که همانا بالفعل کردن قوای نهفته در وجود انسان (و نفخت فیه من روحی) است. این نگرش بر اساس روش شناسی مبتنی بر نگرش سیستمی و شناسایی ارکان تکوینی و تشریحی اقتصاد و بانکداری اسلامی است:

- ◀ عمده مأموریت انسان حرکت در جهت عمران و ایجاد ارزش افزوده حقیقی است، در جهت تعالی فکری و روحی و آبادانی زمین و افزایش ثروت مفید که مصداق "قواماً للمسلمین" باشد.
- ◀ در تطبیق با مأموریت انبیاء عظام مسیر و خط مشی رفتاری مؤمن عمل در جهت تغییر واقع فاسد به واقع سالم و اصلاح امور در این مسیر است و لذا هر انسان مؤمن باید مصادیق عملی این مأموریت را شناسایی و به آن عمل کند
- ◀ تعلق مالکیت بدون ابتدای به حق باطل است. انتقال مالکیت نیز بدون ابتدای به حق باطل و تراضی طرفین معامله باطل است و چنین رفتاری به هلاکت جوامع انسانی می‌انجامد.
- ◀ کوچک شمردن عمل دیگران و کم برآورد کردن ارزش کار و فعالیت آنان مصداق فساد در زمین است (و لا تبخسوا الناس اشیائهم و لا تعثوا فی الارض مفسدین)
- ◀ تخصیص منابع مالی بدون رعایت معیارهای کارایی و عدالت باطل تلقی می‌گردد و لذا ارزش افزوده حقیقی و ثروت جامعه را افزایش نمی‌دهد. به بیان دیگر تخصیص منابع با رعایت معیارهای: عدم اسراف و احسان که فعالیت اقتصادی منجر به عمران و آبادانی یعنی ارزش افزوده حقیقی حلال شود و با رعایت حق برخورداری برابر افراد ذیحق و دارای صلاحیت یکسان انتساب به حق دارد و گرنه باطل است.
- ◀ درآمدهای حاصل از معاملات کاغذی چنانچه به فعالیت‌های سالم بخش واقعی اقتصاد انتساب نداشته باشند حلال نیستند. لذا فعالیت‌های مرتبط با سفته بازی پول نمی‌تواند حلال تلقی شود.

برخی نتایج و احکام راهبردی

برخی از احکام روبنایی مرتبط با این بحث به این شرحند:

- ◀ در ارزیابی ارزش افزوده انصاف باید رعایت شود.
- ◀ نرخ سود حاصل از بکارگیری پول در فعالیت اقتصادی باید انتساب به فعالیت حقیقی در بخش واقعی اقتصاد داشته باشد.
- ◀ گرفتن بهره از سرمایه پولی که در فعالیت حقیقی اقتصادی شرکت نکرده و بازگشت اصل آن تضمین شده ربا تلقی می‌گردد.
- ◀ نرخ سود در عقود مبادله ای تابع تغییرات قیمت در بخش حقیقی و در عقود مشارکتی تابع درآمد حاصل از فعالیت و نرخ سهم بری از قبل معین شده است.
- ◀ در فعالیت اقتصادی بازده در برابر تحمل ریسک و ثبات مالکیت است (تبعیت نمو از اصل) - الربح فیما لا یضمن -

۱. این جمع‌بندی حالت فرضیه ای مبتنی بر استنباط گزاره ها و دلالت‌های کلان سیستمی از اصول و معارف مبتنی بر اقتصاد و بانکداری اسلامی دارد که واضح است با تشکیل جلسات نقدکارشناسی و نخبگی و بحث و بررسی بیشتر قابل تکمیل و اصلاح خواهد بود.

بازدهی حلال ناشی از افزایش ارزش افزوده حقیقی است و نمی‌توان در برابر تورم یا هزینه فرصت پول برای پول بازدهی در نظر گرفت.

◀ بر اساس اصول اسلامی، لازم است مدیران نظام اسلامی در کلیه تصمیمات از جمله در عزل و نصب‌ها و نقل و انتقال کارکنان و تخصیص منابع از سه معیار حق (کارایی)، عدالت و قوام تبعیت کنند و تلاش کنند اقدامات خود را با این سه معیار تطبیق دهند.

◀ مرعوب نشدن در برابر نظام سلطه و نظریه‌های متعارف ملهم از جهان بینی مادی و غیر اسلامی و تلاش در جهت تدبیر امور و یافتن شیوه‌های جدید حل مسأله و نظریه پردازی در چارچوب علوم و معارف اسلامی از دیگر واجبات رفتاری در این خصوص است.

راهبردهای کلی بانکداری اسلامی

بنابر آنچه طراحی گردیده و بیان شد و مبتنی بر اصول زیربنا و احکام روبنا در اقتصاد و بانکداری اسلامی (حرکت از زیر بنا به روبنا در ساخت بانکداری اسلامی) سرانجام به راهبردهای عینی تر زیر می‌توان دست یافت:

◀ در نظام بانکداری اسلامی ضرورت دارد بخش حقیقی بر بخش پولی تسلط یابد و نرخ‌ها ناظر به واقع اقتصاد شکل گیرند. بیان نازل و عملیاتی این راهبرد رعایت تناسب میان بازده بخش واقعی و بخش مبادلات کاغذی و بخش اسمی اقتصاد است.

◀ قیمت در بازار سالم مبتنی بر شرایط عدالت اجتماعی تعیین می‌گردد.

◀ نظام بانکداری و مالی اسلامی اختصاص به حذف ربا ندارد، لذا این نظام باید علاوه بر حذف ربا، نفی غرر و غبن و قمار و ظلم را در تمام مراحل اجرا انعکاس دهد.

◀ نظام پولی و بانکی اسلامی به عنوان زیر مجموعه‌ای از نظام اسلامی در عین رعایت موازین فقهی و شرعی خود را مقید به رعایت موازین اخلاقی و ایفای نقش مؤثر در حوزه مسئولیت اجتماعی می‌داند.

◀ خلق پول و ایجاد اعتبار با حرکت سریع در بازار مبادلات صرف کاغذی، بدون ابتنای بر بخش واقعی اقتصاد اتفاق نمی‌افتد.

◀ تعامل متقابل نظام بانکی- مالی و نهادهای نظارتی و قانونی و بانک مرکزی و دولت نیازمند بازتعریف اسلامی است. اساساً نظام مالی به عنوان یک کل منسجم لازم است در پی تحقق اهداف اقتصادی اسلام باشد.

◀ نظارت در اقتصاد اسلامی دو بعد دارد: درونی و قهری؛ در بعد اول لازم است که تربیت و فرهنگ‌سازی دینی و ایجاد گفتمان آن در جهت تبیین احکام اسلامی صورت گیرد و نظارت قهری نیز با شدت و حدت، با بینشی سیستمی ایفای انجام شود.

◀ در نظام پولی و مالی اسلامی اطلاعات نقش اساسی دارد. باید مسئولان نظام پولی و مالی تولید اطلاعات و شفافیت را سرلوحه کار خود قرار دهند. در بازار مبتنی بر موازین اسلامی از تبانی، حبس اطلاعات مؤثر در معامله اجتناب می‌شود و معاملات در چارچوب نظام اطلاعات صحیح و فرایندها و ساز و کارهای شفاف انجام می‌شود و لذا از معاملات مبتنی بر فریب، غرر و غبن دوری می‌شود.

◀ هرگونه عدم شفافیت یا حبس اطلاعات موجد غرر است و باعث فساد معامله می‌شود. لذا نظام پولی و مالی باید مانع از حبس اطلاعات گردد و نقش از بین برندگی غرر در نظام اقتصادی را به عهده گیرد.

◀ ابزارهای پولی و مالی اسلامی یا محصولات پولی و مالی اسلامی با بخش حقیقی اقتصاد ارتباط مستقیم و تبعی دارند. لذا برای آنکه بازدهی حاصل از فعالیت مالی مشروع باشد باید میزانی از ریسک مثل ریسک قیمت یا ریسک تخریب دارایی را پذیرفت.^۱

^۱ - منظور این است که نظام پولی و بانکی مبتنی بر توزیع ریسک (Risk Sharing) باشد و نه انتقال ریسک (Risk Transferring) و البته این مسأله با مدیریت ریسک منافاتی ندارد.

◀ هر گونه ابزار مالی که وابسته به بخش حقیقی نباشد و تغییرات قیمتی آن انعکاس بخش حقیقی نباشد مجاز نیست. در غیر این صورت تغییرات ارزش اسناد کاغذی اگرچه درآمد خریدارانش را تغییر می دهد اما جمع جبری این تغییرات کوچکتر از صفر است. بنابراین ابزارهای اسلامی در مقایسه با ابزارهای مالی متعارف باید باعث ایجاد ارزش افزوده حقیقی برای جامعه شوند.

◀ توجیه پذیری طرح ها بر اساس شاخص های زیر است:

- اثر بخشی فعالیت
 - کارا بودن طرح (عدم اسراف و اتلاف منابع)
 - عادلانه بودن و ایجاد تراضی
- ◀ به شرط کارابودن طرح یا فعالیت اقتصادی لازم است فرصت برابر به همه مشمولین بالقوه طرح ها داده شود.

گام های اولیه و بسترهای اجرایی برای تهیه استانداردهای بانکداری اسلامی

بر اساس اصول بانکداری اسلامی که از منظرهای مختلف مورد بحث قرار گرفت برای نیل به استانداردهای بانکداری اسلامی ابتدا لازم است گامهای اولیه ای در حوزه های اجرایی و تصمیم گیری نظام بانکداری کشور برداشته شود که به برخی از مهمترین گامها اشاره می کنیم.

نظارت تخصصی نهاد رگولاتور بر اساس تعریف الزامات اجرایی عقود اسلامی

یکی از مهمترین معضلات نظام بانکی کشور در شرایط حاضر عدم اجرای صحیح عقود بانکی است که به صوری سازی اجرای عقود انجامیده است. بر اساس شناخت صحیح از اقتصاد و تقسیم وظایف و نقش نهادی بانکها استفاده از ابزارهای مالی اسلامی با الزامات ویژه خود تعریف می شوند و نهاد رگولاتور بانکداری کشور با ایجاد واحدهای تخصصی و از طریق استقرار سیستم یکپارچه و دیجیتال فرایندهای اجرایی عقود اسلامی و قراردادهای بانکی را نظارت می کند. به همین منظور محدودیت های ویژه ای بر اساس بانکداری اسلامی به ویژه برای عقود مشارکتی به شرح ذیل قابل تعریف می باشند:

◀ استفاده از عقود مشارکتی صرفاً بر اساس توجیه فنی ، مالی و اعتباری و با استفاده از خدمات مشاوره ای نهادهای موضوع این قرارداد و بر اساس دستورالعملی صورت می گیرد که به تصویب هیات سیاستگذاری می رسد.

◀ بانکها در خصوص تامین مالی نیازهای مصرفی (خرد) خانوار و سرمایه در گردش واحدهای اقتصادی، مجاز به استفاده از عقود مشارکتی نیستند.

◀ به منظور اجرای صحیح عقود مشارکتی در سیستم بانکی ، بانک مرکزی مکلف است مقدمات و زمینه های لازم را تامین و فراهم نماید. این اقدامات از جمله شامل تاسیس و ایجاد نهادهای زیر می باشد :

الف - مؤسسات تخصصی مشاوره و تامین مالی :

این مؤسسات توسط متخصصان رشته های مرتبط با فرایندهای تصمیم گیری اقتصادی و مالی و تامین مالی اسلامی تشکیل می گردد. این مؤسسات مطابق ضوابطی که به تصویب هیات نظارت خواهد رسید ، عهده دار بررسی توجیه اقتصادی ، فنی ، اعتباری و مالی طرحها و فعالیتهای اقتصادی خواهند بود. بانکها و مؤسسات اعتباری که قصد استفاده از عقود مشارکتی را دارند موظفند قبل از اعطای تسهیلات ، نظر یکی از مؤسسات مزبور را در خصوص پروژه مبنای تامین مالی اخذ نمایند.

ب- مؤسسات رتبه بندی اعتباری :

این مؤسسات مطابق با اعتبار سنجی و بررسی توان مالی و اعتباری مشتریان ، نسبت به رتبه بندی اعتبار مشتریان و یا پروژه ها اقدام می نمایند.

پ - مؤسسات تخصصی نظارت بر پروژه ها :

این مؤسسات در دسته های تخصصی ، به وکالت از طرف بانک ، بر اجرای عقود مشارکتی نظارت می نمایند
تعریف روش ها و استانداردهای حسابداری عقود اسلامی بر اساس تعریف حساب های مستقل
◀ مهمترین ویژگی های عقود مشارکتی :

نگاره ۴. رابطه اعتبارات و بخش واقعی در نظام پولی اسلامی

انتظار انتفاعی بودن	متغیر بودن نرخ
اذنی بودن قرارداد	نیاز به نظارت و کنترل

- برخلاف ماهیت قراردادهای مبادله ای (که تحقق انتفاع در آنها حتمی است) ، در قراردادهای مشارکتی ، تحقق انتفاع انتظاری بوده و طرفین قرارداد (بانک و متقاضی تسهیلات) انتظار دارند طبق پیش بینی خود، سودی داشته باشند، اما در عمل ممکن است چنین سودی محقق نگردد.
- از طرفی در قراردادهای مشارکتی، در ابتدای قرارداد می توان سهم سود بانک و نرخ سود انتظاری را برآورد کرد، اما سود واقعی، در پایان قرارداد و مشخص شدن نتایج عملکرد موضوع مشارکت معلوم می شود و به صورت طبیعی ، از موردی به مورد دیگر، متفاوت خواهد بود ؛ چنان که ممکن است برای قرارداد خاصی ، نرخ سود، صفر و حتی منفی (زیان) باشد.
- پس از تغییر قانون بانکی و پولی کشور و استقرار نظام بانکداری بدون ربا، تغییری در ساختار و زیربنای نظام بانکی برای اجرای عملیات بر اساس عقود اسلامی صورت نپذیرفته و همین موضوع در کنار برخی تناقض ها در مبانی و شیوه مورد عمل بانکها ، ابهاماتی را برای کارگزاران و مشتریان نظام بانکی ایجاد نموده است.
- اشخاصی که از بانک تسهیلات مشارکتی دریافت می کنند ، باید بانک را در سود و زیان حاصل از عقد مشارکت واقعی شریک نمایند. تحقق این امر مستلزم آن است که کلیه رویدادها و تراکنشهای مرتبط با فعالیت موضوع تسهیلات به نحوی در سیستم حسابداری بنگاه تسهیلات گیرنده ثبت شود که تعیین سود یا زیان فعالیت مزبور ، به طور مجزا از سایر فعالیتها ، امکانپذیر باشد و سهم بانک از دفاتر حسابداری بنگاه مذکور استخراج گردد. این در حالی است که در سیستمهای حسابداری و گزارشگری مالی فعلی ، چنین راهکاری پیش بینی نشده و مبالغ پرداختی به بانک در دفاتر گیرنده تسهیلات ، به عنوان هزینه مالی (عملیاتی) ثبت می شود و این گونه به نظر می رسد که هیچگونه سود یا زیانی محاسبه و تقسیم نمی شود. به عبارت دیگر ، تسهیلات گیرنده نیز در شرایط فعلی ، براساس مشارکت واقعی در سود و یا زیان با بانکدار رفتار نمی کند.
- سیستم حسابداری و گزارشگری مالی باید از طریق فراهم آوردن اطلاعات مربوط ، به استفاده کنندگان کمک کند تا از رعایت اصول شریعت اسلام توسط بانک و توانایی آن در حفظ سرمایه در سطح کافی و تحقق نرخ بازده مناسب برای وجوه سرمایه گذاری شده صاحبان سهام و دارندگان حسابهای سرمایه گذاری ، مطلع گردیده و میزان دستیابی به این اهداف را مورد ارزیابی قرار دهند.
- ◀ تحقق موارد فوق مستلزم اقدام جدی برای نگرش استانداردهای حسابداری مبتنی بر بانکداری اسلامی است که در آن حداقل به موارد زیر توجه شود:
- ارائه اطلاعات مربوط به رعایت الزامات شرعی

- افشای ماهیت و دلایل انجام معاملات مغایر با الزامات شرعی و نحوه و محل مصرف منابع حاصل از آنها و همچنین افشای نظر هیأت نظارت شرعی راجع به آنها
- افشای ضوابط و سیاست های بانک در اعطای تسهیلات قرض الحسنه و ارائه اطلاعات مالی تفکیکی آن (شامل ترازنامه و صورت منابع و مصارف)
- افشای رویکرد بانک در برخورد با بدهکاران ناتوان از بازپرداخت بدهی قرض الحسنه
- افشای اطلاعات مربوط به فعالیت های اجتماعی بانک و ارائه اطلاعات مالی تفکیکی آن (شامل ترازنامه و صورت منابع و مصارف)
- افشای سیاست ها و شیوه تسهیم درآمدهای بانک بین منابع سپرده گذاران و سهامداران
- افشای سیاست ها و رویه های بانک در اخذ و شناسایی سود از عقود مشارکتی

تخصیص و دسترسی عادلانه

یکی دیگر از ممیزات اجرای بانکداری اسلامی در چارچوب اقتصاد اسلامی استقرار موازین عدالت اجتماعی در نحوه برخورداری و دسترسی به منابع بانکی و تحقق عدالت اقتصادی در اثر رعایت استحقاق و شایستگی افراد و بنگاههای اقتصادی است. برای اجرای این مهم ضوابط اجرایی و نظارتی ویژه ای از سوی دستگاههای رگولاتور و نظارتی می تواند مورد توجه باشد. ایجاد حق دسترسی برابر به همه واجدین شرایط، اعطای تسهیلات در حد بهینه (که به راحتی از سوی مؤسسات اعتبارسنجی قابل محاسبه است)، تعلق بازدهی به دارنده مال در چارچوب اصل تبعیت نمو از اصل (نه دیگران) و همچنین بررسی امکان ایجاد واحدهای بانکی و تأمین مالی در مناطق مختلف کشور بر اساس حصاربندی فعالیت بانکها و متنوع ساختن اعطای مجوز به انواع بانکها از جمله مواردی است که می توتن برای تحقق عدالت در نظام بانکی در احکام قانونی و موازین رگولاتوری تعیین تکلیف نمود.

جمع بندی و نتیجه گیری

بنیادی ترین مسأله در رابطه با اصلاح نظام بانکی آن است که عملیات بانکی در قالب یک نظام اقتصادی ملاحظه نشده است. نظام اقتصادی ترکیبی از مبانی، سازوکارها و روابط بین متغیرها بر اساس اهداف آن نظام می باشد. این نظام مشتمل بر بانک مرکزی، شبکه بانکی، نهادهای قانونی، نظارتی، کنترلی، رگولاتوری، نظامات حسابداری و حسابرسی و مالیاتی، ثبت، دولت و زیر ساخت های نرم افزاری و... و همچنین ساز و کار تعیین قیمت و... می باشد که همه این مجموعه را باید داخل در نظام اقتصاد اسلامی نگریست؛ در غیر اینصورت تغییری بنیادین در ساختار موجود نظام بانکی اتفاق نمی افتد؛ زیرا فاقد زیرساخت نظری محکمی مبتنی بر آموزه های اسلام است. آنچه به عنوان مزیت این تحقیق است نوع نگاه به سیستم بانکداری اسلامی است که آن را به عنوان یک زیرسیستم در ساختار اقتصاد اسلامی می بیند. این چارچوب با سه واژه قرآنی حق و عدل و قوام توضیح داده می شود. بر این اساس ما به اصول و راهبردهای بانکداری اسلامی به عنوان یکی از مهمترین کارکردهای اقتصاد اسلامی و در ارتباط با آن رسیدیم. این اصول بیانگر این مطلب است که اگر قرار است نوآوری، تغییر و اصلاحی در ساختار بانکداری اسلامی صورت گیرد باید علاوه بر ملاحظات فقهی مربوط به عقود اسلامی این موارد را نیز رعایت کند. مزیت این نگاه آن است که بانکداری اسلامی نسبت به بانکداری متعارف به صورت منفعلانه عمل نمی کند بلکه چون خود در ساختاری مشخص حرکت می کند می تواند فعالانه به ابداع و نوآوری دست زند و همه این ابتکارات در ارتباطی سیستمی نسبت به هم قرار دارند و نقض یکدیگر نمی کنند. این نوع نگاه می تواند رویکرد فقهی به نظام بانکداری اسلامی را نیز متحول سازد و فقه کلان سیستمی مبتنی بر قواعد و قوانین اساسی اسلام را مبنای هر تنظیم و تبیین رفتار بایسته قابل تطبیق با نظام اسلامی سازد. در این حالت فقه اسلامی به جای رویکرد منفعلانه کاملاً با تعیین اصول و قوانین اساسی نه توجیه گر رفتار موجود نظام پولی و بانکی، بلکه با اتخاذ رویکرد فعال و نظام ساز دغدغه تطبیق ساز و کارها و تصمیمات با اصول و راهبردها را دنبال کند و پاسدار اصول و موازین حقه اسلامی باشد. والسلام

منابع و مأخذ

قرآن کریم

حسین عیوضلو، ارکان اقتصاد اسلامی، دو فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۱، تابستان و پاییز ۱۳۸۷، انتشارات دانشگاه امام صادق(ع) صص: ۱۷۳-۱۳۹

حسین عیوضلو، "عدالت و کارایی در تطبیق با نظام اقتصاد اسلامی"، انتشارات دانشگاه امام صادق(ع)، (۱۳۸۵)
حسین عیوضلو، اصول و مبانی نظام پولی در اقتصاد اسلامی (۱۳۸۷)، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، مجله اقتصاد اسلامی، شماره ۲۹، صص: ۶۱-۳۵.

ایرج توتونچیان. (۱۳۷۹). پول و بانکداری اسلامی و مقایسه آن با نظام سرمایه‌داری، انتشارات توانگران، صص: ۹۷-۸۲.

محمد حسین طباطبایی. تفسیر المیزان، ج ۲۴. ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، ص ۲۳۲.

دکتر کاظم صدر، «اقتصاد صدر اسلام»، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۵، صص ۱۸۰-۱۷۱.

تحف العقول، ص ۱۹۱؛ و محمدرضا حکیمی. (۱۳۶۸). الحیاه، ج ۳، دفتر نشر فرهنگ اسلامی

میزان الحکمه، ج ۹، ص ۲۸۵.

امام محمدغزالی. (۱۴۰۲). احیاء العلوم الدین، ج ۴، دارالمعرفه بیروت، ص ۹۰.

مطهری مرتضی (۱۳۶۴)، "ربا، بانک و بیمه"، انتشارات صدرا، ص ۱۷۵.

ابن خلدون، مقدمه ابن خلدون، ص ۷۵۵.

Mirakhor, Abbas, Unsustainability of the Regime of Interest-based Debt Financing, ISRA Journal, Vol۴, ۲۰۱۲

Ramsey, F. P. (1928). A Mathematical Theory of Saving. Economic Journal. 38 (152). pp. 543-559

^۱ cg. Thomas R. Rourke and Clarke E. cochran, "The common good and Economic justice: Reflections on the thought of yves R. simon", in: "The Review of Politics", Vol.54,1992,pp:231-235